

بهار ۱۳۸۷

گزارش تحلیلی



نشست هم‌اندیشی بسته‌سازی - نظارتی بانک مرکزی



گزارش تحلیلی نشست هم‌اندیشی بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی

برگزارکننده کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران

۱۳۸۷/۲/۲۹

نشست با حضور ۷۰ نفر از مدیران و صاحب‌نظران فعال بازار پولی و سرمایه در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران برگزار شد. اگرچه بیش از پانزده نفر از شرکت‌کنندگان در نشست نسبت به زوایای مختلف موضوع اظهار نظر کردند ولی جمع‌بندی نظرات در سرفصل‌های زیر قابل ارائه است:

۱. اثر کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بر بهای تمام شده محصولات و خدمات

هزینه مالی در اکثر صنایع درصد کمی از بهای تمام شده محصولات و خدمات را تشکیل می‌دهد. با فرض اینکه حداکثر این هزینه ۱۰٪ بهای تمام شده باشد، کاهش ۲٪ نرخ سود تسهیلات تنها ۰/۰۰۲ دو هزارم در قیمت کالا مؤثر است. به این ترتیب استدلال کاهش نرخ سود تسهیلات به دلیل کاهش بهای تمام شده محصولات، چندان معنی‌دار نیست.

۲. کاهش تقاضا برای تسهیلات

اگر سیاست‌های بسته بانک مرکزی ۱۰۰ درصد هم اجرا شود، تا زمانی که سیل ۲۷۰ هزار میلیارد تومان بودجه سالانه دولت به اقتصاد سرریز می‌شود، نرخ تورم و رشد نقدینگی کنترل نخواهد شد. این نخستین بار است که بانک مرکزی رابطه تورم و نرخ سود را در بخشنامه‌ها آورده است. تا پیش از این بانک مرکزی به طور غیر مستقیم به آن اشاره می‌کرد چنانچه دیدگاه‌های بانک مرکزی مجوز اجرا بگیرد، بدون تردید سیاست ضد تورمی تخصیص بهینه منابع اجرا خواهد شد. مشکل اصلی اقتصاد ایران عدم تخصیص بهینه منابع ارزی و ریالی است. در شرایط تورمی نرخ سود بانکی باید بتواند تعادل عرضه و تقاضا را حفظ کند، به طور قطع

در ابتدا گروهی این شرایط را در تضاد با رشد تولید می‌دانند؛ اما ظرف مدت زمان کوتاهی شاهد نتایج آن خواهند بود و این سیاست در بسته‌سیاستی نظارتی بانک مرکزی بسیط‌تر دیده شده است. نظارت بر ۱۷ هزار شعبه بانک و مدیریت تخصیص منابع براساس تقسیم‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی بسیار مشکل خواهد بود. الفبای اقتصادی تصریح می‌کند که در شرایط تورمی، نرخ سود بانکی باید به گونه‌ای تعیین شود که فشار تقاضا را کاهش دهد اگرچه تعیین چنین نرخ‌هایی ممکن است در ابتدا کمی قیمت‌ها را افزایش دهد ولی در میان‌مدت با کاستن از فشار تقاضا به افت شاخص تورم کمک می‌کند.

۳. نظارت استاندارد بر روند اعطای تسهیلات

چنانچه پروژه‌ها در نهاد دیگری به جز بانک مرکزی تایید شوند، مسوولیت بانک‌ها لوٹ شده و تنها ریسک سرمایه‌گذاری به بانک‌ها منتقل می‌شود. تعیین نرخ‌های سود سپرده در بانک مرکزی به عنوان یک نکته مثبت در بسته‌سیاستی - نظارتی می‌باشد و این مورد به خاطر حمایت از بانک‌های نوپای خصوصی در مقابل بانک‌های دولتی آمده و موجب جلوگیری از رقابت ناسالم در بازار می‌شود.

۴. شرایط یکسان برای همه بانک‌ها

بانک‌های خصوصی از منابع قرض‌الحسنه جاری که بیش از ۳۵ درصد منابع بانک‌های دولتی را تشکیل می‌دهد، بی‌نصیب هستند و شرایط یکسانی برای رقابت ندارند. نگاه یکسان به دو بانک دولتی و خصوصی در بسته‌سیاستی - نظارتی بزرگ‌ترین معضل می‌باشد و بانک‌های دولتی از رانت‌های دولتی استفاده می‌کنند و این یکسان‌سازی موجب زیان بانک‌های خصوصی نوپا خواهد شد. زیان سهامداران بانک خصوصی موجب فرار سرمایه از بازار خواهد شد و تفکیک این دو بانک با سهامداران دولتی و خصوصی یک ضرورت است.

۵. اثر کاهش نرخ سود تسهیلات بر عقود مبادله‌ای

این مطلب موجب فرار بانک‌ها از عقود مبادله‌ای می‌شود و تنها کسانی که از رانت برخوردارند، به این منابع دست خواهند یافت. همگی شاهد خرید و فروش وام‌های چندمیلیاردی در کشور و درج آگهی در روزنامه‌ها بودیم که از ضربه نرخ دستوری به اقتصاد خبر می‌دهد. نرخ سود تسهیلات بانکی که برای عقود مبادله‌ای در بسته سیاستی بانک مرکزی پس از تجدیدنظر در کمیسیون اقتصادی دولت تعیین شده، بانک‌ها را از اعطای تسهیلات فراری می‌دهد. با تعیین نرخ سود ۹/۵ درصدی برای تسهیلات عقود مبادله‌ای باعث می‌شود سیستم بانکی از پرداخت تسهیلات طفره برونند و در مقابل تنها گروهی که از رانت برخوردارند به این تسهیلات ارزان قیمت دسترسی داشته باشند.

۶. محدودیت پرداخت تسهیلات در سقف ۵٪ سرمایه بانک

در بسته بانک مرکزی تصریح شده که بانک‌ها تنها مجاز به اعطای تسهیلات در حد پنج درصد سرمایه خود هستند، با چنین سیاستی بنگاه‌های بزرگی که بدهی‌های آنها به نظام بانکی بسیار بیشتر از این پنج درصد است می‌دانند در صورت بازپرداخت بدهی‌های خود فقط قسمتی از پنج درصد منابع بانک‌ها را به عنوان تسهیلات دریافت خواهند کرد، طبیعتاً میلی به تسویه با بانک‌ها ندارند و به این ترتیب بدهی‌های معوق به نظام بانکی افزایش می‌یابد. تاکید بر اینکه تسهیلات بیش از پنج میلیارد تومان باید با تایید بانک مرکزی باشد، بر بروکراسی‌های موجود در راه دریافت تسهیلات بانکی دامن می‌زند و این مسئله پیامدهای جز تسریع روند ورشکستگی صنایع کشور نخواهد داشت. کارخانه‌های بزرگی که موجب ایجاد اشتغال و راه‌اندازی واحدهای کوچک‌تر می‌شوند، چگونه از این بند استفاده کرده و از بانک‌ها تسهیلات می‌گیرند. در فضایی که اجرای

سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی سازی دنبال می‌شود، ایجاد محدودیت‌هایی از این دست، آزاد سازی لازم برای موفقیت خصوصی سازی را دچار اختلال می‌کند در حالی که همگان اذعان دارند، آزاد سازی اقتصاد مقدمه و لازمه موفقیت خصوصی سازی است.

۷. رشد صنعت و بازار پولی

رشد سیستم بانکی در مقایسه با رشد صنعت بسیار پایین است و بانک‌ها نتوانستند فعالیت‌های خود را همچنان در بخش صنعت رشد دهند. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولتی طی سال‌های گذشته میزان فروش خود را تا ده‌ها میلیارد افزایش دادند اما سیستم بانکی، بخش مالی و حسابداری نتوانست همپای این رشد فعالیت خود را گسترش دهد. بسته‌سیاستی - نظارتی بانک مرکزی، تامین سرمایه در گردش شرکت‌های بزرگ بورس را با چالش مواجه می‌کند و همین مسئله باعث خروج نقدینگی از بازار سرمایه می‌شود. با محدودیت‌ها و انقباض‌هایی که با اجرای بسته بانک مرکزی در اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌های بزرگ حاضر در بورس ایجاد می‌شود، این شرکت‌ها در تامین سرمایه در گردش خود دچار مشکلات فراوانی خواهند شد که همین دشواری‌ها باعث رکود در بازار سرمایه و حتی افزایش قیمت نهایی کالاها می‌شود.

۸. تأمین منابع و آزادسازی

بخش خصوصی در هیچ جای دنیا قادر به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ درصد نیست و سیستم بانکی باید آن را در تامین منابع کمک کند. در سال‌های گذشته شاهد رشد منفی ناخالص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بودیم. چنانچه بخواهیم فرهنگ خصوصی‌سازی را ترویج دهیم و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دموکراسی اقتصادی را اجرایی کنیم، ابتدا باید آزادسازی صورت گیرد وقتی در آیین‌نامه‌ها به بانک‌های خصوصی ابلاغ می‌شود، باید چند درصد از منابع خود را با چه نرخ و به چه کسانی تسهیلات دهند، دیگر خصوصی‌سازی چه معنایی دارد و بیشتر موجب خنده است تا توسعه اقتصادی.

۹. برداشت بی‌رویه و یارانه

انگیزه اصلی عرضه بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی را می‌توان جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه بانک‌های تجاری از خزانه بانک مرکزی دانست و برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی برای تسریع گردش نقدینگی موقتی است، نه قرض دائمی. گرفتن وام با نرخ ۳۵ درصد از بانک مرکزی و اعطای آن به مردم با نرخ ۱۲ درصد جالب و در عین حال عجیب است. تایید نرخ سود تسهیلات بانکی در سطح ۹/۵ درصد باعث می‌شود دولت برای پر کردن اختلاف ۲/۵ تا ۱۲ درصدی بالغ بر دو میلیارد دلار یارانه پرداخت کند. دولت در شرایطی خود را متعهد به پرداخت چنین هزینه‌ای می‌کند که اعطای این یارانه نیازمند تایید و تصویب مجلس است. برداشت بانک‌های تجاری از بانک مرکزی طی دو سال گذشته چند برابر شده در حالی که این برداشت باید صرفاً برای تأمین سرمایه در گردش باشد، مشاهده می‌کنیم عمده مصارف این برداشت‌ها در جهت اعطای تسهیلات بلندمدت بوده است بانک‌های تجاری ۹ هزار میلیارد تومان را با ۱۲ درصد وام اعطا کرده‌اند و اکنون پشت در بانک مرکزی متقاضی وام ۳۵ درصدی هستند. این مساله شاید حکایت نرخ سود بانکی بالای ۲۰ درصد را تایید می‌کند و شاید فرار بانک‌ها از عقود مبادله‌ای و استقبال از عقود مشارکتی به خاطر همان گم شدن نرخ سود در دل قرارداد است. درست زمانی که نرخ سود کاهش یافت، سود بانک‌ها بالا رفت؛ چرا که عقود مشارکتی سودی بالای ۲۰ درصد را نصیب آنان کرد و در مقابل نرخ سود سپرده‌ها را کاهش داد و قیمت تمام شده پول پایین آمد. اعطای سوبسید با توجه به تعیین نرخ ۱۰ درصدی: اگر نرخ سود تسهیلات کمتر از تورم تعیین شود، دولت باید سالانه ۲ میلیارد دلار سوبسید برای تعهدات بلندمدت ۱۰ ساله بپردازد.

۱۰. تفکیک بانک‌های قرض‌الحسنه

اگر بانک قرض‌الحسنه جداگانه داشته باشیم، منابعی در آن سپرده‌گذاری نخواهد شد و این منابع قرض‌الحسنه فعلی بانک‌ها به خاطر جوایز عجیب و غریب آنان است و نقدینگی سرگردان است که در دوره‌های قرعه‌کشی

میان بانک‌ها در چرخش است. دولت به اشتباه تصور می‌کند در صورت چنین تفکیکی همان میزان جذب منابع قرض الحسنه که در حال حاضر در بانک‌های تجاری جذب می‌شود در بانک‌های قرض الحسنه نیز جمع شود در حالی که اصلاً این گونه نخواهد بود چرا که دولت قصد ندارد روند قرعه‌کشی و اعطای جوایز فعلی را ادامه دهد.

۱۱. جهت‌گیری نقدینگی

جهت‌گیری نقدینگی ۳۰ تا ۴۰ درصد پول سرگردان در بازار کالا و مسکن در جریان است و دارندگان نقدینگی به دنبال سود معادل نرخ تورم +۱۵ درصد هستند. رشد نقدینگی، تحریم‌ها، افزایش قیمت کالا و مواد اولیه و نرخ ارز عامل تورم در بخش تولید هستند و مسوولان باید با نگاهی به این عوامل نقدینگی را به سوی تولید هدایت کنند. دولت مانند ماشین سنگینی در جاده حرکت می‌کند که نه خود توان سرعت گرفتن دارد و نه راه را برای بخش خصوصی باز می‌کند. در مقابل افزایش قیمت کالا، شاهد رشد تولید نیستیم و سیاست‌های بانک مرکزی موجب توقف تورم نشد.